

## تحلیل اجتماعی نظریات تحول شهر در نظام نوین جهانی با تاکید بر شهر آینده

سروش فتاحی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار  
fathi\_sh@yahoo.com

دکتر آزیتا رجبی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی  
azitarajabi@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

مقاله حاضر به بیان نظریات و تحلیل‌های اجتماعی نظریه پردازان در خصوص تحولات شهرهای جهان بر مبنای تفکرات نظام جهانی و نظم نوین جهانی و گذر از مراحل نظریات کلاسیک و مدرن بر دوران تفکرات پست مدرن یا فرانوگرا می‌پردازد و با رویکردی نظریه پردازانه بر نحوه ی تکوین تفکرات آینده و مکانیزم منتج از آن، فضای شهری را به مثابه مسئله اساسی در نظام اجتماعی که قلب نظریه‌های اجتماعی است مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. دیدگاه‌های نظریه پردازان بزرگ شهری همچون والرشتاین، لرنر، کاستلز، گیدنز را نیز در خصوص شهرهای فراروی جامعه جهانی به تصویر کشیده است.

واژگان کلیدی: شهر، شهرنشینی، شهر آینده، جامعه‌شناسی.

## مقدمه

اساساً شهر، تبلور فضایی عملکردهای انسانی است در راستای برطرف کردن نیازهای او. بنابراین در هر دوره و زمانی، با توجه به دانش و علم بشر، نیازها و خواسته‌های او، شرایط اجتماعی-اقتصادی، و سیاسی-ایدئولوژیکی، سکونتگاه‌های مرتبطی به وجود می‌آیند و به نوعی در خدمت رفع نیازهای بشری قرار می‌گیرند (هر چند در برهه‌هایی از زمان یا در بعضی از تفکرات، شهر مایه‌ی بدبختی بشر شناخته می‌شود). اولین سکونتگاه‌ها به شکل روستاهای سنتی بودند و جدیدترین آن‌ها یعنی ابرشهرها با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت در پهنه این کره خاکی ایجاد شده‌اند. از نظریات مربوط به پیدایش شهر اگر بگذریم، می‌بینیم که تا قبل از انقلاب صنعتی شهرها کارکرد اداری-سیاسی نظامی و گاهی مذهبی یا تجاری داشته‌اند. در این دوران (ماقبل صنعتی شدن)، شهرها اغلب کم جمعیت (بزرگ‌ترین شهر قبل از انقلاب صنعتی را مربوط به دوران امپراطوری روم می‌دانند و گاهی جمعیت آن را تا یک میلیون نفر نیز گفته‌اند)، کم تراکم و دارای ابعاد انسانی بوده‌اند.

پس از انقلاب صنعتی شاهد شکسته شدن ساختار قبلی می‌باشیم و به نوعی شهر کانون تولید و سرمایه می‌شود. برخلاف دوران ماقبل صنعتی که شهرها در کانون مجموعه‌های کشاورزی و روستایی شکل می‌گرفتند و موتور محرکه آن‌ها مبتنی بر تولیدات روستایی و مازاد تولیدی و اقتصادی آن‌ها بود. در این دوره‌های صنعتی، این شهر است که عمل تولید را به عهده می‌گیرد، آن هم تولید کالای صنعتی. این شهر است که سرمایه و نیروی کار را به سوی خود جذب می‌کند و کانون تولید و تمرکز اقتصادی منطقه و نواحی اطراف خود می‌گردد. نکته‌ای که در این جا باید اشاره شود این است که با شکل‌گیری انقلاب صنعتی و پیدایش تب و عطش تولید صنعتی، بهره‌وری و سود حاصل از کار صنعتی بر بخش صنعت پیشی می‌گیرد و بخش کشاورزی را به رقابت فرا می‌خواند. در این میان بخش کشاورزی نیز برای ایجاد توان رقابتی، تکنولوژی صنعتی را به خدمت می‌گیرد. این جاست که نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی راهی جز پیمودن مسیر شهر و انتخاب اشتغال در بخش صنعت را به عنوان نیروی کار و در واقع کارگر روزمزد ندارد.

در کشورهای اروپای غربی (کانون انقلاب صنعتی به ویژه انگلستان پیشرو صنعتی شدن) قرن ۱۹، قرن شکل‌گیری شهرهای بزرگ، متراکم و آلوده) روند شهرنشینی شتاب می‌گیرد آلودگی ناشی از دود کارخانه‌های صنعتی و فاضلاب آن‌ها که در اوایل از آن به نام طالی ناب یاد می‌شد و ساکن شدن مهاجران روستایی در کنار این مکان‌ها چهره اسف باری را به وجود آورده بود. پیدایش شهر دو قطبی نیز از آثار انقلاب صنعتی بود. چرا که در شهرهای صنعتی، صنایع و کارخانه‌ها در مرکز شهر قرار داشتند و در پیرامون آن‌ها نواحی مسکونی و آلودگی‌های کارگران فقیر قرار داشت. اما نقاط زیبای شهر و در واقع نواحی دور از کارخانه‌ها و دارای آب و هوای مناسب مخصوص ثروتمندان و کارخانه‌داران بود و در همان اوایل انقلاب صنعتی فقیر و غنی از هم جدا شدند و هر یک محله‌های مخصوص به خود داشتند. در واقع نوعی جدایی‌گزینی طبقاتی به وجود آمد (طبقه فقیر و طبقه غنی).

پیدایش مکتب‌های فلسفی-سیاسی در مورد فضای زندگی از یک طرف و از طرف دیگر در برابر شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم نیز تحت این شرایط شکل می‌گیرد. آرمان‌گرایان (سوسیالیست‌های آرمانگرا و گروه‌های آنارشیستی معتقد به جامعه محدود و دور از شهرها که ظهور نهضت شهرهای جدید به آن‌ها برمی‌گردد)، رفورمیست‌ها (که معتقد به برطرف کردن مسائل شهرهای صنعتی در داخل آن‌ها بودند و به نوعی اصلاحات را قبول داشتند) و مخالفان و منتقدان سرمایه‌داری (مارکس و انگلس که از بزرگان سوسیالیست هستند و شهر را کانون سرمایه‌داری و انواع بهره‌کشی می‌دانند) از این قبیل هستند.

شهرآینده را باید مرتبط با تحولات جامعه پست مدرن و فراصنعتی و با توجه به تغییرات و تحولات فزاینده فناوری در نظر گرفت. از سوی دیگر با موج شهری شدن می توان انتظار داشت که میزان شهرنشینی شدید، روستاها را تحت تاثیر قرار دهند و در آینده کاملاً شهری شوند تا جایی که روستاها به وسیله شهرها بلعیده و هضم شوند در شهرهای آینده بدون تردید، تغییر رابطه کار و مسکن، فرایند تغییرات فرهنگی و افزایش چندگانگی و ایجاد فرهنگ‌ها و فرایند تداخل حوزه‌های فرهنگی، خدماتی و اجتماعی شهرها در یکدیگر و در فضاهای حومه افزایش خواهند یافت.

شهرهای آینده با تناقضی اساسی روبه رو هستند: از یک سو امکانات معماری و فناوریانه هرچند گسترده تری که می تواند فضا سازی های هرچه تازه تری را ممکن کند و از سوی دیگر عدم امکان ایجاد هماهنگی و سازش پذیری های فرهنگ انسان‌ها با این تغییرات، که می تواند هزینه های اجتماعی بسیار سنگینی را در جوامع انسانی به وجود بیاورد که برای برخی از این جوامع اصولاً تحمل ناپذیر بوده و آن‌ها را درسراشیب سقوط و تنش‌های گسترده قرار بدهد.

### روش تحقیق

در این مقاله نظریات و تحلیل‌های اجتماعی نظریه پردازان در خصوص تحولات شهرهای جهان بر مبنای تفکرات نظام جهانی و نظم نوین جهانی به روش اسنادی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

### چارچوب نظری

نظریه نظام جهانی<sup>۱</sup>: اگر چه بین نظریه نظام جهانی و وابستگی شباهت‌های بسیاری وجود دارد و تئوری مرکز پیرامون در این جا هم حاکم است ولی نظام جهانی رابطه کشورهای مختلف را به صورت مجزا و در تحلیل مترویل - پیرامون نمی بیند بلکه یک نظام اقتصادی - سیاسی مسلط جهانی وجود دارد که بر تمام کشورهای پیرامونی اعمال حاکمیت می کند. این تئوری بعدها با نام "نظم نوین جهانی" مشهور شد و در عبارت انتقادی به نام "تک قطبی شدن جهان" معروف و مورد استفاده قرار گرفت از دیدگاه تحلیل نظریه نظام جهانی باید در کلان ترین سطح مورد توجه قرار گیرد. باید زمینه مطالعه را فراتر از مرزها برد و مجموع ممالک جهان را به عنوان یک واحد در نظر گرفت و روابط اقتصادی را در سطح این واحد جهانی مطالعه نمود.

### مانوئل والراشتاین<sup>۲</sup>

والرشتاین مفسر پرآوازه این بینش است. به نظر او خاستگاه‌های چنین تفکری به دوره پس از رنسانس در اروپا برمی گردد به دورانی که شبکه‌های تجاری جدید شکل گرفت. به عبارتی هم‌زمان با تولید مفهوم "اقتصاد جهانی سرمایه داری" در قالب مرکانتالیسم ظاهر می شود. پیش فرض اصلی دیدگاه نظام جهانی این است که جهان جدید از یک اقتصاد جهانی سرمایه داری تشکیل شده و دولت‌های ملی بخش‌هایی از یک کل هستند و برای فهم تعارض‌های طبقاتی داخلی و نزاع‌های سیاسی یک دولت خاص باید اقتصاد جهانی را بشناسیم (ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۵۹).

مادرشهرهای جهانی محل تجمع قدرت و ثروت جهانند و به همین خاطر از توانایی کنترل سایرین برخوردار هستند، مادرشهرهای اصلی کشورهای پیشرفته، مراکز کنترل نظام جهانی اند و دست یابی به منافع کشورهای فقیر را هدایت می کنند (توسلی، ۱۳۸۳: ۷۷).

به اعتقاد والرشتاین، مبادلات نابرابر در گذشته باعث ایجاد و عقب ماندگی شهرهای مستعمراتی شده، این رابطه استعماری باعث ترقی شهرهایی شده که در ارتباط مستقیم با رابطه استعماری بودند همانند شهرهای بندری (که محل صدور مواد خام و دریافت و توزیع محصولات وارداتی از متروپل بودند) مراکز تجاری و پایتخت‌ها که محل استقرار و فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی، موسسات مالی و اعتباری هستند، اما سایر نقاط بهره‌چندانی نمی‌برند. والرشتاین این شهرها را نمایشگاهی برای کالاهای متروپل می‌داند و رشد بخش خدمات که مسئول توزیع کالاهای وارداتی است. به نظر وی علت اصلی رشد شهرنشینی، ورود مهاجرین روستایی است که بدون مهارت‌های کافی راهی نقاط شهری می‌شوند و در بخش‌های خاصی نظیر ساختمان‌سازی و فعالیت‌های اقتصادی غیر مولد مشغول به کار می‌شوند. این مهاجرین در حاشیه شهرهای گوناگون مستقر می‌شوند و دچار نوعی دوگانگی هستند. آن‌ها، (مهاجرین) نسبت به ده یا شهری که از آن مهاجرت کرده‌اند، دلتنگی ندارند ولی آنچه را قویاً حفظ کرده‌اند، فرهنگ و زندگی روستایی و به علاوه احساس عدم تامين زندگی آینده در شهر می‌باشد. به همین دلیل فرهنگ شهری عموماً فرهنگی است که در روحیه و روش زندگی مردم آن، روستایی بودن را به خوبی می‌توان دید (توسلی، ۱۳۸۳: ۷۶).

### مکتب نوسازی<sup>۱</sup>

مفسران نوسازی به دنبال این پرسش هستند، چگونه می‌توان شرایط اجتماعی- اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان سوم را دگرگون کرد. به ویژه رقابت سیاسی در بلوک شرق و غرب پس از جنگ جهانی دوم برای نگهداشتن کشورهای بیشتر در درون بلوک مربوطه به این مهم کمک شایانی کرده بود. نظریه تجدد یا نوسازی یکی از الگوهای تحلیلی مسلط جامعه‌شناسی امریکایی برای توضیح فردگرایی بود که جوامع سنتی از طریق آن‌ها به تجدد و مدرن شدن نایل شدند (کرامبی و دیگران، ۱۳۷۵: ۲۴۶).

همچنین دیدگاه نوسازی برخلاف مکتب وابستگی و نظام جهانی در پی شناخت و تاکید بر نقش عوامل درونی توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم است. نوسازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی و داخلی در کشورهای جهان سوم می‌باشد به تعبیری این نظریه معتقد است که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای نوسازی کنیم (ازکیا، ۱۳۷۴: ۹۲). نظریه نوسازی در عین حال بهترین مدل برای کشورهای توسعه نیافته را تبعیت از تجارب کشورهای متروپل و صنعتی می‌داند، تجربه‌ای که پس از چند دهه موفقیت شایان ذکری را برای جوامع جهان سوم به ارمغان نیاورده است.

طبق این نظریه در کشورهای جهان سوم موانعی وجود دارد که امر توسعه را دشوار می‌کنند، این موانع عبارتند از: وجود نهادها و سیستم‌های ارزشی کهنه، افزایش جمعیت، عدم کارایی دستگاه‌های دیوانسالار، عدم مشارکت مردم در امور، وجود اعتقادات خاص و کمبود سرمایه گذاری تولیدی. بدینسان نظریه مدرنیزاسیون در جستجوی دلایل درونی برای توجیه عقب ماندگی است (ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۳۶). در حقیقت انتقاد کسانی مثل فرانک سمیرامین و پل باران به عدم موفقیت‌های چنین توصیه‌ای است. صنعتی شدن با تسامح مترادف نوسازی است و یکی از راه‌های اصلی نوسازی جوامع توسعه نیافته را صنعتی کردن مناطق عقب مانده که خود مستلزم تغییرات اجتماعی- فرهنگی دیگری است می‌داند. در این زمینه طرفداران مکتب نوسازی عقیده دارند:

۱- برای صنعتی کردن مناطق عقب مانده در سطح جهانی ایجاد چارچوب ضرورت دارد و فراهم کردن آن، خارج از توانایی و ظرفیت کارفرمایان است.

۲- اولین اقدام در راه صنعتی شدن، فراهم آوردن اسباب آموزش و تبدیل روستاییان به کارگران صنعتی است.

برخی از صاحب نظران توسعه، پیدایش تفکر نوسازی و عمومی شدن ایدئولوژی آن در تمامی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را با رخدادی در حد انقلاب صنعتی قرن ۱۸، در انگلستان مقایسه کرده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، توجه عمیق تمامی آسیا، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین به امر مدرن سازی از دیدگاه تاریخی شاید جالب ترین رخداد پس از ظهور اولین انقلاب صنعتی در انگلیس در سال‌های دهه ۱۷۷۰ باشد. این پدیده توازن و ماهیت زندگی بشر را در ابعاد بین المللی، سیاسی و اقتصادی خود، به‌طور غیرقابل برگشت تغییر داد (ازکیا، ۱۳۷۴: ۳۶۵).

یکی از شاخص‌های مورد توجه مکتب نوسازی سکونت در شهر می‌باشد که از نظر این مکتب زمینه ساز تحرک روانی در افراد می‌گردد و آن‌ها را برای پذیرش نوآوری آماده می‌سازد: در قالب نظریه نوسازی شهر، مرکزی است برای رشد، تحرک و یکپارچگی جمعیت و ساکنان شهرها و مناطق حومه آن‌ها سبک و شیوه جدیدی از زندگی را تجربه می‌کنند که سبب تغییر عقاید و علایق و در نظر گرفتن گرایش‌ها و اعتقادات دیگران می‌گردد. بر این مبناست که شهر به منزله توسعه اجتماعی مطرح می‌شود که به ساکنین خود بینش‌های فرهنگی جدیدی را ارائه می‌دهد (ازکیا، ۱۳۷۴: ۵۴).

در دیدگاه نوسازی از طریق فرایند اشاعه، نوگرایی از مراکز شهری به ویژه شهرهای بزرگ به سایر مناطق اطراف تراوش می‌کند. بنابراین هر نوع تغییری در مرحله بعد مقدمه یک تغییر دیگر می‌گردد. نظریه پردازان نوسازی بین سه نوع جامعه سنتی، در حال گذار و نوسازی شده، تفاوت قایل می‌شوند. گرایش‌های فکری و ساختارهای نهادی عناصر کلیدی در فرایند توسعه هستند "جیمز کونل" نوسازی را تحت نام "عقلانیت خلاق" می‌نامند در دیدگاه طرفداران نوسازی تجربه کشورهای غربی در زمینه توسعه بسیار مورد توجه می‌باشد. برخی نظریه پردازان علوم اجتماعی در غرب تجربه کشورهای صنعتی و پیشرفته را که در مفهوم نوسازی خلاصه می‌شود پاسخ مناسبی به چالش‌های رودرروی جهان سوم در دهه پس از جنگ جهانی می‌دانستند. دلایل بسیاری سبب توجه به نوسازی گردید از جمله:

- شهرنشینی خود به خود مستلزم یا همراه تحولات دیگری مانند تغییر ترکیب مشاغل، بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است.
  - تاکید بیش از حد جامعه‌شناسان کلاسیک بر ماهیت تحولی و تکامل جوامع بشری در حوزه‌های کارکردی، مارکسیستی، ساختاری (مانند دورکیم، مارکس، کنت و اسپنسر)
  - وقوع دو جنگ جهانی و تخریب‌هایی که نیازمند از نو ساختن بودند.
  - پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ بلشویکی و رقابت بلوک‌های سیاسی جهت توسعه قلمرو.
  - دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که در عرف علوم اجتماعی به دهه استقلال مستعمرات معروف شده، سبب گردید که کشورهای تازه استقلال یافته به دنبال پیشبرد برنامه‌های اقتصادی سیاسی، و اجتماعی در کشورهای خود باشند یکی از مظاهر این پیشبرد افزایش نرخ شهرنشینی بود.
  - به علاوه روند صنعتی شدن و شهری شدن در تجربه تاریخی کشورهای توسعه یافته همراه هم بودند. لذا لزوم پیاده کردن برنامه‌های توسعه که اغلب شهرگرا بودند موجب گسیل شدن جمعیت کشورهای در حال توسعه به نقاط شهری گردید که در بخش دوم (صنعت) به صورت مونتاز و به ویژه در بخش سوم (خدمات) مشغول به کار می‌شدند.
  - تحقق دموکراسی و استقرار نهادهای سیاسی مدنی مستلزم تمرکز جمعیت‌های پراکنده، متنوع و اغلب تحت سلطه قدرت‌های محلی سنتی در نقاط شهری است.
- شهر محل عقلانی عمل کردن، دنیوی اندیشیدن و بورژوازی یا استقرار جامعه ارگانیک و اثبات‌گرایی بود.

- به علاوه کمی بدبینانه تر نیز می توان گفت توسعه و گسترش و مصرف کالاهای کشورهای توسعه یافته مستلزم افزایش شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بود. زیرا جوامع بشری "جوامع مصرف" هستند و اوج یک برنامه توسعه رسیدن به مرحله مصرف انبوه مورد نظر روستو است که موجب ورود کشورهای در حال توسعه به مرحله ای از توسعه شهرنشینی با مشخصه های کاملاً روشن و شناخته شده می گردد و جامعه را به سوی مصرف انبوه سوق می دهد. بشر امروزی آنچنان به مصرف انبوه کالاها و خدمات می پردازد که هدف نهایی هر کس خریدن و مصرف کردن می شود و این فرایند را برخی تحت عنوان "جنون خرید" و سپس مصرف کردن بخشی از آنچه خریداری شده است، نامگذاری کرده اند (نقدی، ۱۳۸۲: ۹).

### دانیل لرنر<sup>۱</sup>

لرنر از مفسران بنام این مکتب، شهرنشینی را در کنار چند عامل دیگر به عنوان متغیرهای موثر بر پیدایش بشر جهت نوسازی و پذیرش نوآوری لازم می داند و از جمله عواملی که لرنر در این زمینه مطرح می کند عبارت است از:

- شهرنشینی
- بسط آموزش
- میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
- بسط مشارکت

توسعه شهرنشینی موجب حرکت جوامع سنتی به مدرنیتر شدن گردیده و متغیرهای الگویی خاص گرایی، اخذ نقش های انتسابی، ادغام نقش ها، ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی (تالکوت پارسونز به سوی عام گرایی، اکتسابی بودن نقش، تفکیک کارکردی و توجه به منافع جمعی)، تبدیل می گردد. لرنر رشد مراکز شهری جدید درجهان سوم را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده احساس فردگرایی و تضعیف کننده سنت گرایی می داند... زندگی اجتماعی شهری، وقت شناسی، حساسگری و دقیق بودن لازمه زندگی پیچیده بوده و در ارتباط بسیار تنگاتنگ با اقتصاد پولی و هوش گرایی قرار دارد (از کیا، ۱۳۷۴: ۵۵).

طبق دیدگاه نوسازی، شهری شدن و صنعتی شدن با یکدیگر روابط متقابل دارند. از نظر لرنر زندگی شهری بسترهای لازم را برای گسترش و بسط فاکتورهای موثر بر نوگرایی نظیر سواد، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت را نیز فراهم می کند. مهم تر این که زندگی شهری ملزومات خاصی نیز دارد. به خصوص اگر توجه داشته باشیم که محیط شهری مردم را به داشتن ویژگی های خاص نوگرایی مانند باسوادی، نظم و تلاش بیشتر تشویق می کند، و این امر توسعه را شتاب می بخشد: لرنر و سایر کسانی که این مهم را مورد بررسی قرار داده اند، دریافته اند که بین رشد اقتصادی و رشد شهرنشینی از نظر آماری رابطه وجود دارد، به عبارت دیگر با سرعتی که درآمد سرانه ملی مردم یک کشور به وجود می آید، افراد بیشتری به سوی زندگی شهری و امکانات ویژه آن روی می آورند و از نعمات جامعه صنعتی برخوردار می شوند.

به اعتقاد لرنر مدرنیته به لحاظ تاریخی و در مغرب زمین همراه برخی شاخص ها ظاهر گشته و منجر به بروز پیامدهای خاص مانند: شهری شدن، صنعتی شدن، باسوادی و مشارکت در اروپای غربی و آمریکای شمالی شده است. این نظام با مشخصه هایی مثل نگرش علمی و عقلانی به جهان، کاربرد روز افزون علم و فن به همراه نهادهای اجتماعی متناسب با جهان نو، ظهور خصلت های فن آورانه شناخته می شود. از نقطه نظر صاحب نظران مدرنیته به ویژه لرنر گسترش شهرنشینی یکی از راه های وارد شدن کشورهای

جهان سوم به جرگه ممالک مدرن و پیشرفته می‌باشد، زیرا به دنبال شهرنشین شدن افراد، تحولات گوناگونی در رفتار و منش آنان رخ می‌دهد. همچنین لرنر با ساختن مدلی به دنبال سنجش عملی میزان نوگرایی در کشورهای مورد مطالعه خود از جمله ایران بر آمده است در مدل وی کشورها به سه دسته عمده الف - جوامع مدرن ب- کشورهای در حال گذار ج- جوامع سنتی تقسیم می‌شوند.

### نظریه‌های پست مدرن<sup>۱</sup>

در گذار از مرحله کلاسیک و مدرن به دوره پست مدرن یا فرانوگریان می‌رسیم. دوره ای که نظریه پردازانش مباحث انسانی و اجتماعی را به صورت بین رشته‌ای بررسی می‌کنند، که این پارادایم فکری به حوزه شهر نیز کشیده شده و صاحب نظران این حوزه علاقه مند هستند تا جوامع شهری امروزی را که از نوع شهرهای شبکه‌ای و اطلاعاتی می‌باشند مطالعه کنند. از جمله این جامعه‌شناسان می‌توان به بررسی نظرات مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> جامعه‌شناسان مارکسیستی و آنتونی گیدنز<sup>۳</sup> جامعه‌شناس معاصر انگلیسی پرداخت.

### مانوئل کاستلز

کاستلز جامعه‌شناس اسپانیایی مارکسیست ضمن نقد مکتب شیکاگو به ویژه "پارک" در کتاب "مسئله شهری" به سال ۱۹۷۷ به تحلیل جامعه صنعتی پست مدرن می‌پردازد و دو سال بعد، وارد دانشگاه برکلی می‌شود و مطالعات خود را در خصوص جامعه پست مدرن عمیق‌تر می‌نماید تا آن که بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ کتاب سه جلدی جامعه شبکه‌ای یا "عصر اطلاعات"<sup>۴</sup> را منتشر می‌کند. در این کتاب، کاستلز به تشریح ویژگی‌های جوامع جدید انسانی که آن‌ها را "جوامع شبکه‌ای" می‌نامد، پرداخته، او در این کتاب معتقد است که، واژه اطلاعاتی، مشخصه شکل خاصی از سازمان اجتماعی است که در آن تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به دلیل شرایط جدید فناورانه ای که در این دوره تاریخی ظاهر می‌شوند، به منابع اولیه اصل بهره‌وری و قدرت بدل می‌شوند (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۸). یکی از جنبه‌های اصلی جامعه اطلاعاتی، منطق شبکه موجود در آن است که در ساختار پایه‌ای این جامعه قرار گرفته است و به همین دلیل باید آن را با عنوان جامعه شبکه‌ای نامید. این جوامع با گسترش استفاده از اینترنت به شکل جدید تمام جوامع انسانی بدل شده‌اند و این امر انقلابی را با ابعاد حتی بزرگ‌تر از انقلاب صنعتی به وجود آورده است که همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها از جمله حیات شهری را زیر و رو می‌کند. کاستلز در آخرین کتاب خود با عنوان "کهکشان اینترنت" به بررسی بیشتر تفکر می‌پردازد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷).

کاستلز معتقد است در مکتب شیکاگو به ساختارها و فرآیندهای حاکم بر پدیده‌های محیط شهری بی‌توجهی شده است. به اعتقاد او مکتب شیکاگو توجه خود را معطوف به جنبه‌های خاصی از زندگی اجتماعی و تغییرات اجتماعی کرده است، بدون توجه به آنچه مارکسیست‌های ساخت گرا آن را به عنوان فرآیندهای حاکم و تأثیرگذار بر زندگی مردم می‌دانستند، منظور آنان به خصوص فرآیندهای اقتصادی و نیز فرآیندهای مربوط به روابط اجتماعی تولید بود (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۴). وی در کتاب "شهر وسست ریشگی‌ها" یکی از موضوعات اصلی را مورد توجه قرار داده است و آن تحلیل جنبش‌های اجتماعی شهری است که در نوع خود کاملاً جدید است. نکته دیگر که وی تشریح کرده است "فضای جریان‌ها" یا حاکمیت وسایل ارتباط جمعی در شهرهای جدید و شکل دهی افکار عمومی است. این فضای جریان هدایت افکار، ایده‌ها و آمال شهروندان را عهده‌دار است و راه خروج از این حاکمیت و سلطه جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر می‌داند که در کشور ما

1- Post Modrem

3- A. Giddens

2- M.castells

4- The Rise of the Nework society

قانون اداره کردن شورایی شهرها و انتخابات شوراها مصداق عینی آن می‌باشد. اکنون کاستلز به قلمروهای جدید از تحقیق روی می‌آورد که یکی از آنها اشکال جدید تکنولوژی ارتباطات و تهدیدها و فرصت‌هایی که به وسیله توسعه آن‌ها به وجود آمده است (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۴۵). تحلیل ساختاری آسیب‌های اجتماعی و نیز جامعه مدنی و مصرف در شهر از دیگر موضوعات مورد علاقه کاستلز است. در این میان تاکید وی بر مطالعه مصرف و مسائل آن زمینه را برای قلمرویی در حال رشد از جامعه‌شناسی شهری آماده می‌سازد که نویسندگان بعدی طرفدار این سنت وارد آن شده‌اند همچون مباحثی که در کتاب فرهنگ شهرها توسط شانون زو کین مورد توجه قرار گرفته است (نقدی، ۱۳۸۲: ۹-۸۹).

### آنتونی گیدنز<sup>۱</sup>

“گیدنز” جامعه‌شناس مشهور معاصر، در سال ۱۹۷۳ در کتاب ساخت طبقاتی جوامع پیشرفته می‌آورد: که ساخت یابی طبقاتی جوامع بر حسب مجاورت فیزیکی و دوره‌های طولانی زمان ترسیم می‌شود. یعنی طبقات فقط در جایی شکل می‌گیرند که کنشگران توانایی مشترکی داشته و طی سال‌های متمادی با یکدیگر کار و زندگی کرده باشند و بدین طریق فرهنگی مشترک را تولید و باز تولید کنند. او در این راستا به بررسی و تحلیل گذرا از شهر سنتی به شهرهای امروزه می‌پردازد و شهرها را به شهرهای سنتی یا پیش از سرمایه داری، شهرهای پس از سرمایه داری و مدرن تقسیم می‌کند، وی ویژگی‌های شهرهای سنتی و پیش از سرمایه داری را چنین بیان می‌کند:

- ۱- دیوار کشی در اطراف شهرها، که این دیوار بیانگر محدودیت و جدایی شهر از محیط پیرامون و نیز اهداف نظامی بوده است، بنابراین دیوارها (برج و بارو و حصارهای شهرهای سنتی) دو کارکرد عمده داشته است: الف - کارکرد تامین امنیت ساکنان در مواقع خطر و حمله ب- وسیله‌ای برای تفکیک و تمایز اجتماعی شهر و روستا و طبقات گوناگون درون شهرها
- ۲- در ناحیه مرکزی شهرهای سنتی، معابد، کاخ‌ها و بازارها قرار داشته که در برخی موارد مرکز تجاری و تشریفاتی با دیوار مخصوص محافظت می‌شده است.
- ۳- اگرچه شهرها کانون علم و هنر بودند ولی این امور در انحصار قشر محدودی از اشراف و نجبا محصور بوده نه توده مردم.
- ۴- شهر سنتی هر چند دارای راهنمای پیشرفته در مقایسه با زمان خود بودند، اما مسافرت‌های بسیار اندک و عمدتاً با اهداف نظامی - تجاری صورت می‌گرفته است.
- ۵- سرعت زندگی در شهرهای پیش از سرمایه‌داری بسیار آهسته و مردم طبق سنت‌های دیرین رفتار می‌کنند.
- ۶- در مقایسه با شهرهای امروزی اندازه این شهرها بسیار کوچک می‌باشند (نقدی، ۱۳۸۲: ۹۱).

گیدنز سپس به بررسی و تبیین شهرهای سرمایه‌داری و مدرن امروز می‌پردازد. شهری که این مرحله گذار را طی نموده و در این فرآیند تغییر و دگرگونی، دچار تحولات ساختاری و بنیادی فراوانی شده‌اند. به زعم او شهرهای سرمایه‌داری امروزی در تمامی شاخص یاد شده دچار تحول شده‌اند. یعنی شهرهای سرمایه‌داری فاقد برج و بار و حصار هستند، عناصر تشکیل دهنده هسته مرکزی شهرهای امروزی به تعبیر ارنست برگس عموماً ماهیت تجاری دارد، علم و هنر و فرهنگ از انحصار طبقات ممتاز و محدود خارج شده است، نظام ارتباطات و حمل و نقل پیشرفت قابل توجهی نسبت به دوره پیشین یافته و مسافرت با انگیزه‌های گوناگون جزئی از زندگی شهری امروز گردیده، زمان و سرعت جزء ذاتی شهر سرمایه‌داری شده و تغییرات در آن واحد رخ



می‌دهند و نهایتاً این که شهرهای امروزی از نظر مقیاس کمی در مقایسه با شهرهای سنتی بسیار بزرگ و به تعبیر کاستلز "ما با مادر شهرهای امروزی مواجه هستیم".

گیدنز ویژگی برای مدرنیته را که بر شهرهای مدرن امروزی نیز تاثیر گذاشت، عبارت از جدایی زمان و مکان، تحول مکانیسم‌ها، از جاکندگی و تخصیص باز اندیشانه دانش می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۴). او معتقد است در شهرهای مدرن باید به تبیین این قضیه پرداخت که چرا زندگی در جهان و شهرهای مدرن بیشتر شبیه سوار شدن به یک گردونه بی‌مه‌ار است و نه سوار شدن در اتومبیلی که کاملاً تحت نظارت و مه‌ار رانده است. او در کتاب "تجدد و تشخیص" به بررسی روان‌شناسی انسان مدرن می‌پردازد و معتقد است که هویت شخصی انسان‌ها در این جوامع مدرن متمایل به جهانی شدن است این امر پیامدهای ژرفی برای فعالیت‌های شخصی در برداشته و هویت شخصی افراد عملاً بر اساس روایت خاصی از "خود باطنی" ساخت و پرداخته می‌شود که بر حسب بازتاب‌های متغیر نهادهای اجتماعی مدرن مورد تجدید نظرهای مداوم قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۲).

"گیدنز" در این تحلیل‌ها از مفهوم "فضا" نیز استفاده می‌کنند به زعم او "فضا" در مباحث جامعه‌شناسی شهری به‌ویژه فضای شهری اساس مساله نظام اجتماعی است که قلب تمام تئوری‌های اجتماعی است. به نظر او نظم است که یک نظام اجتماعی را در ورای زمان و مکان استمرار می‌بخشد. در هر حال مفهوم محیط مصنوع نزد گیدنز همانند مفهوم مادر شهر و حیات ذهنی نزد زیمل است زیرا هر دو آن‌ها این مفاهیم را ابزاری جهت تبیین ویژگی‌های ذاتی جوامع جدید می‌دانند. همچنین از نظر گیدنز مفاهیمی همچون، محل و ناحیه در تحلیل اهمیت اجتماعی فضا و محیط مصنوع مهم هستند. محل در نظر گاه گیدنز بسیار متغیر است و دامنه‌ای از اتاقی در یک خانه یا گوشه‌ای از یک خیابان یا طبقه‌ای در یک کارخانه تا شهرک یا شهرها را شامل می‌شود. گیدنز عقیده دارد محیط مصنوعی که وی از آن صحبت می‌کند، در دوره سرمایه‌داری صنعتی مطرح گردیده، بنابراین در نزد او تلاش برای اشاعه این تبیین که متغیر شهرگرایی مساوی با صنعتی شدن و تقسیم کار تخصصی سرمایه‌داری و اقتصاد پولی و نهایتاً شهرگرایی یا تراکم بسیار بزرگ و بالای از جمعیت است دیده می‌شود البته منتقدانی مانند کاستلز این همه اهمیت قایل شدن به فضا و محیط را تحت عنوان جامعه‌شناسی شهری معتقد به "بت پرستی فضایی" را مورد نقد قرار دهد، در عوض گیدنز هم دلیل تاکیدش بر فضا را به عنوان قالب همه روابط رخدادها و پدیده‌های اجتماعی دانسته و معتقد است: جامعه‌شناسی اهمیت محیط را در زندگی اجتماعی فراموش کرده است. بنابراین می‌توان گفت گیدنز "فضا را جهت توصیف سازمان زندگی اجتماعی مهم می‌داند و مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی شهری او، فضا، شهرگرایی و محیط مصنوع است".

### نتیجه‌گیری

شهر آینده را باید مرتبط با تحولات جامعه پست مدرن و فرا صنعتی و با توجه به تغییرات و تحولات فزاینده فناوری در نظر گرفت. از سوی دیگر با موج شهری شدن می‌توان انتظار داشت که میزان شهر نشینی شدیداً روستاها را تحت تاثیر قرار دهند و آینده کاملاً شهری شود تا جایی که روستاها به وسیله شهرها بلعیده و هضم شوند در شهرهای آینده بدون تردید، تغییر رابطه کار و مسکن، فرایند تغییرات فرهنگی و افزایش چندگانگی و ایجاد فرهنگ‌ها و فرایند تداخل حوزه‌های فرهنگی، خدماتی، و اجتماعی شهرها در یکدیگر و در فضاهای حومه افزایش خواهند یافت.

گرایش‌های اساسی در این میان، گرایش به افزایش جمعیت و گرایش به مهاجرت خواهد بود. مهاجرت‌ها بدون تغییر اساسی نظام جهانی و از میان رفتن نابرابری‌های بزرگی که در حال حاضر میان حوزه‌های شهری و روستایی و حوزه‌های توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد غیر قابل جلوگیری خواهند بود از سوی دیگر افزایش امید زندگی در کشورهای توسعه یافته و کاهش نرخ باروری در آن‌ها که به صورت دو پدیده دائم درآمده است آن‌ها را ناگزیر به پذیرش جمعیت‌های مهاجر و عموماً از فرهنگ‌هایی متفاوت با خود می‌کند که این امر بحث هویت‌های قومی / فرهنگی و رابطه آن‌ها را با هویت‌های محلی (شهری) / ملی به صورت بخش اساسی در شهرهای آینده در خواهد آورد.

شهرهای آینده با تناقضی اساسی روبه رو هستند: از یک سو امکانات معماری و فناوریانه هرچند گسترده‌تری که می‌تواند فضا سازی‌های هرچه تازه‌تری را ممکن کند و از سوی دیگر عدم امکان ایجاد هماهنگی و سازش‌پذیری‌های فرهنگ انسان‌ها با این تغییرات، که می‌تواند هزینه‌های اجتماعی بسیار سنگینی را در جوامع انسانی به وجود بیاورد که برای برخی از این جوامع اصولاً تحمل‌ناپذیر بوده و آن‌ها را در سراسیمه سقوط و تنش‌های گسترده قرار بدهد.

از لحاظ فنی آینده شهرها را می‌توان در گروهی از تغییرات و نوآوری‌ها از جمله موارد زیر دانست:

- دگرگونی‌های اساسی در نظام‌های تولید و توزیع انرژی، حرکت به سوی برقی شدن کامل نظام‌های تامین انرژی و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، از جمله قابلیت کنترل کامل شبکه مصرف به وسیله حوزه‌های قدرت و افزایش توانایی آن‌ها به شکل دادن به فرآیندهای اجتماعی - فرهنگی به خواست خود و بنابر نیازهای بازار نظام جهانی.
- دگرگونی گسترده در نظام‌های ارتباطی، کاهش پیوسته هزینه‌های ارتباطی که باعث گسترش ارتباطات از راه دور شده و امکانات وسیعی را برای هر پرهیز از جابه‌جایی‌های فیزیکی در فضا به وجود می‌آورد، به همین صورت می‌تواند شاهد حرکتی دوگانه و متضاد بود. از یک سو نزدیک شدن دوباره محیط‌های کاری و مسکونی و حتی انطباق آن‌ها بر یکدیگر که فضاهای عمومی و حافظه‌های عمومی ناشی از آن‌ها را تهدید خواهد کرد، و از سوی دیگر پراکنش هر چه بیشتر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و افزایش مدارهای گرد هم آمدن و جدا شدن این کالاها و خدمات از یکدیگر که نیاز به جابه‌جایی فیزیکی و الکترونیک جدید و پدید آمدن شبکه‌هایی نوین را فراهم می‌کند. چرخش هرچه وسیع‌تر تصویر و محوریت یافتن هر چه بیشتر آن جوامع انسانی را به سوی ایجاد فضاهای جدیدی خواهد برد که بخشی از آن‌ها بدون شک فضاهای مجازی و الکترونیک خواهند بود.
- درحوزه جابه‌جایی‌های فیزیکی که به فضاهای شهری شکل می‌دهد، تحولات گسترده‌ای در راه هستند، ایجاد مدارها و راهروهای متفاوت برای گذر کالاها، خدمات، انرژی، منابع و گروه‌های مختلف انسانی، بحث همجواری‌ها و همسایگی‌ها را به گونه‌ای کاملاً تازه برقرار کرده و می‌تواند به تمایز و تبعیض اجتماعی ابعادی غیرقابل پیش‌بینی با پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گسترش بدهد، خودکاری در حرکت وسایل حمل و نقل عمومی که به شکل گرفتن مسیرهای مشخص و ثابت و وسایل حمل و نقل و با ابعاد هر چه کوچک‌تر (از جمله خودروهای شخصی با مالکیت عمومی یا شهری) خود را نشان می‌دهند، چهره شهرها را به کلی دگرگون خواهد کرد.
- تمایل به ایجاد کلان ساختارهای هر چه بزرگ‌تر چه در کلان شهرها و چه حتی در حوزه‌های خارج از شهر یا در حومه شهرهای بزرگ که از سال‌های دهه ۸۰ آغاز شده است به احتمال قوی به دلیل سودهای کلان

ناشی از آن‌ها ادامه خواهد یافت و این فضاها را به اشکال جدید شهرک‌هایی درون شهر با مشکلات و مسایل اجتماعی و فرهنگی خاص خود و البته با کنترل‌های اجتماعی و امنیتی بسیار سخت بدل خواهد کرد که ممکن است سبب کاهش کیفیت زندگی در خارج از آن‌ها و به وجود آمدن جوامع شهری در لایه‌ها و سطوح کاملاً متفاوت و متضاد با خطرات ناشی از این امر شود.

- در این راستا دل‌نگرانی‌های زیست‌محیطی بی‌شک گسترده‌ای در حوزه ساخت و سازها و مواد اولیه مورد استفاده به وجود خواهند آورد، حرکت به سوی اصل بازیافت حداکثر از تمام مواد، قابل پیش‌بینی است هر چند که برای این کار باید هر چه سریع‌تر دو مفهوم مورد تاکید سازمان ملل و سازمان‌های دفاع از محیط‌زیست یعنی مفهوم «توسعه پایدار» و مفهوم «صرف پایدار» را تعمیم داده و برای آن‌ها به سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری‌هایی در سطح جهان دست یافت. این خطر همچنان کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کند که به زباله‌دان کشورهای صنعتی پیشین تبدیل شوند و برای جلوگیری از این امر باید ابتکار عمل زیادی از خود نشان دهند و نظام جهانی را در حد امکان به حمایت از خویش وادارند. کلان‌شهرهای فقیر و آلوده جهان سوم بزرگ‌ترین خطر برای آینده محیط‌زیست در جهان به شمار می‌آیند و کشورهای توسعه یافته که نقش اساسی را در شکل‌دادن به این مشکل داشته‌اند باید به قبول این مسئولیت و اقدام جهت حل این مشکل، به ویژه از طریق تامین‌های مالی پروژه‌های توسعه‌ای، وادار شوند.

## منابع:

- ۱- ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۴، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کلمه، تهران.
- ۲- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم، تهران.
- ۳- جمشیدیها، غلامرضا، ۱۳۸۳، پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۴- دیکنز، پیتر، جامعه‌شناسی شهری، ۱۳۷۷، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد.
- ۵- ساوج، مایک و آلن وارد، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- ۶- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان‌شناسی شهری، نشرنی، چاپ اول، تهران.
- ۷- فیالکوف، یانکل، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، موسسه انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.
- ۸- کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان، احمد خاکباز، طرح نو.
- ۹- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نو.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- ۱۱- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- ۱۲- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، نشر دیدار، چاپ اول، تهران.
- ۱۳- ممتاز، فریده، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهر، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران.
- ۱۴- نقدی، اسداله، ۱۳۸۲، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر (انسان و شهر)، نشر فن‌آوران، چاپ اول، همدان.
- ۱۵- وبستر، فرانک، ۱۳۸۰، «نظریه‌های جامعه اطلاعاتی»، ترجمه اسماعیل قدیمی، انتشارات قصیده‌سرا.